

## داوود فیرحی

### ویژگی ها

۱. تحصیل در دانشگاه هم زمان با تحصیل در حوزه؛ دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران
۲. تدریس در دانشگاه و چهره ای شناخته شده در مجامع دانشگاهی
۳. متولد زنجان و تحصیل مقدمات در زنجان و سطح و خارج در حوزه علمیه قم
۴. همکاری با مرکز تحقیقات استراتژیک، دانشگاه های باقرالعلوم، مفید، تهران و پژوهشکده امام خمینی (ره)
۵. همکاری با احزاب سیاسی؛ کارگزاران سازندگی، اتحاد ملت و ندای ایرانیان
۶. نگارش و انتشار ۸ کتاب و بیش از ۷۰ مقاله، بیشتر با هدف پل سازی بین فقه و سیاست

### دغدغه ها

۱. رابطه فقه و سیاست
۲. نسبت دین و زندگی
۳. موازنه استقلال و آزادی

### باورها

۱. ناکارآمدی سنت دینی در عصر مدرن
  - ۱/۱. اگر نتوانیم دین را از سنت جدا کنیم و باب گفتگوی دین با ابزارها و مفاهیم و مسائل تجدد را باز کنیم، حضور دین با پیوندهای سنتی اش در دنیای جدید فاجعه به بار می آورد.
  - ۱/۲. دین سنتی اجازه نمی دهد انسان مسلمان، بین المللی باشد و نظام مسلمانی، نظام بین المللی باشد.
۲. عدم امکان صرف نظر کردن از فقه به نفع مدرنیته
  - ۲/۱. گذر از فقه شدنی نیست و مطالعات نشان می دهند که حتی انقلاب تجدد و انقلاب علمی، از درون سنت های کلیسایی درآمده است. بلکه باید کارویژه سنت ها را به تدریج تغییر داد.
  ۳. ضرورت یافتن نقطه تعادل بین سنت و مدرنیته
    - ۳/۱. هر کس خواسته دین را به سیاست بچرباند صدمه خورده و هر کس خواسته سیاست را بر دین غلبه دهد، آسیب دیده است.
    - ۳/۲. دولت مدرن در ایران باید بفهمد که مذهب چیست و مذهب بفهمد که دولت مدرن چیست.
    - ۳/۳. رادیکالیزم مذهبی و رادیکالیزم سکولار، راه حل های نشدنی هستند و باید به دنبال رویکرد سومی بود.
    - ۳/۴. تعادل، وضعیتی است که در آن هم خریدار راضی است و هم فروشنده؛ هم شهروند و هم دولت، هم نهادهای مدرن و هم نهادهای سنتی و دینی.
  ۴. تمایز ساختاری و روشی علم دینی با علوم انسانی
    - ۴/۱. پرداختن به علوم انسانی اسلامی کوششی بلاثمر و بی فایده است.

- ۴/۲. علم انسانی، «علم» است و علم ماهیتی متفاوت با دین دارد و قابل اتصاف به صفت دینی نیست.
۵. شکست روشنفکری در ارتباط با جامعه
- ۵/۱. روشنفکری ما همواره مبنای بیرونی داشته؛ چرا که یا به ادبیات مارکس تکیه کرده و یا به ادبیات هگل، پوپر، هابرماس، هایدگر و امثال اینها.
- ۵/۲. روشنفکری ایرانی همیشه مبنای بیرونی دارد، یعنی اول عینک می‌زند و بعد مسائل ما را می‌بیند.
- ۵/۳. روشنفکران ما معمولاً ارتباطی با جامعه ندارند و چون این ارتباط وجود ندارد، دنیایی از ایران ساخته‌اند که فقط در کتاب‌هاست و وجود بیرونی ندارد.
۶. بروز پارادوکس در جامعه اسلامی
- ۶/۱. جوامع اسلامی دچار پارادوکس‌های سنگینی شده‌اند که حل آنها بسیار دشوار است.
- ۶/۲. تفکر داعش نه ساخته قدرتها و نه ساخته تاریخ، بلکه مرتبط با جرم نهفته در تاریخ معاصر اسلام است که خودش را مقصر تلقی نمیکند، بلکه دیگران را مقصر جلوه میدهد.
- ۶/۳. ما رقبا را دشمن و خودمان را پاک میدانیم. این اصطلاحاً یک فرایند تنزیه است؛ یعنی خودبهرپنداری که از داخل آن چیزی جز جناییشن مذهب در نمی‌آید.
۷. تغییر نهادهای حکومت به دست فقه سیاسی
- ۷/۱. وظیفه فقه سیاسی این است که تعادلی قابل فهم بین حقوق و تکالیف انسان مسلمان ایجاد کند.
- ۷/۲. فقه سیاسی باید برای دستیابی به دو هدف مذکور، دست به تغییر نهادهای حکومت بزند و از این تغییر و ترمیم نهادها و قوانین سیاسی نهراسد.
- ۷/۳. حکومت در اندیشه اسلامی ابزار تحقق مقاصد دین است و این مقاصد را فقیهان شیعه و سنی در پنج چیز خلاصه کرده‌اند: حفظ جان، مال، نسل، عقل و دین.
- ۷/۴. هر حکومتی که پنج‌گانه مذکور را حفظ می‌کند مشروع است و حکومتی که این امور و مقاصد را تهدید می‌کند نامشروع و بد است.

## سروش محلاتی

### ویژگی‌ها

۱. تولد در شهر قم و آغاز تحصیل حوزوی از ۱۵ سالگی
۲. ده سال تدریس سطح عالی و ده سال تدریس خارج در مدرسه آیة‌الله گلپایگانی (ره)
۳. پژوهشگر فقه سیاسی

### دغدغه‌ها

۱. ولایت فقیه
۲. آزادی فردی
۳. نقش مردم در حاکمیت
۴. قانون

### باورها

۱. لزوم تعریف صحیح از ولایت فقیه و نظارت دقیق بر آن
- ۱/۱. با تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت موافق است.



- ۱/۲. درباره ولایت فقیه، دیدگاه‌های امام خمینی، شهید بهشتی، شهید مطهری و علامه طباطبائی را معمولاً همراه با تأیید ضمنی و دفاع نقل می‌کند.
- ۱/۳. ولایت فقیه در معنای امروزی‌اش خلاصه‌ای از دیدگاه‌های این سه نفر؛ مصباح یزدی، منتظری و مؤمن است و شدیداً به این دیدگاه‌ها انتقاد دارد.
- ۱/۴. معنا و مفهوم ولایت فقیه در امروز جمهوری اسلامی ایران، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در شکل ایده آل خود باید باشد.
- ۱/۵. نباید فاصله عدالت و عصمت را نادیده گرفت و باید با راهکارهایی قدرتمند، جلو لغزیدن حاکم اسلامی به سمت خطا و اشتباه و ظلم را گرفت.
- ۱/۶. نظارت بر عملکرد رهبری را چنانکه در قانون فعلی جمهوری اسلامی مد نظر است، در انحصار فقهای مجلس خبرگان نمی‌داند.
- ۱/۷. از طرق قانونی، باید جلو در افتادن ولایت فقیه به دیکتاتوری را گرفت.
۲. ضرورت بازنگری و اصلاح قانون اساسی متناسب با فقه سیاسی اسلام
- ۲/۱. آنچه در قانون اساسی به تصویب رسید، با دیدگاه امام درباره ولایت فقیه فاصله داشت.
- ۲/۲. قانون اساسی براساس دیدگاه کسانی که تصدی امور کلان کشور توسط ولی فقیه را لازم می‌دانستند، مانند: آیت الله منتظری تنظیم گردید
- ۲/۳. رئیس جمهور در جمهوری اسلامی، اختیارات اجرایی‌اش به مراتب محدودتر و کمتر از رؤسای جمهور در کشورهای دیگر گردید.
- ۲/۴. مجلس شورای اسلامی استقلال ندارد و بخش‌های زیادی از اداره کشور از موضوع دسترسی مجلس خارج شده است. در بسیاری از موارد مصوبات مجلس امکان اجرایی شدن نمی‌یابند.
۳. نظریه «حاکمیت ملی» به جای حاکمیت مطلق ولی فقیه
- ۳/۱. از شهید مطهری نقل می‌کند که در اجتماع مدنی، حکومت عادلانه آن است که حکومت مردم بر مردم باشد.
- ۳/۲. آیت الله صافی گلپایگانی یک طرح ابتکاری در خبرگان قانون اساسی ارائه کرد؛ با اینکه ولایت فقیه پذیرفته شده بود، ولی رئیس جمهور از اقتدار کامل در همه زمینه‌های اجرایی و نظامی و سیاسی برخوردار باشد.
- ۳/۳. ویژگی طرح آیت الله صافی آن بود که ولایت فقیه در انحصار یک فرد خاص قرار نمی‌گرفت و بر اختیار ولایی «مراجع تقلید و فقهای مشهور» تصریح شده بود و مرجعیت از دخالت نهادهای حکومتی مصون بود.
- ۳/۴. نادرستی نظریه آیت الله منتظری مبنی بر: اداره جامعه با ولی فقیه است و قوای سه‌گانه دست‌یاران اویند و مردم حقی برای انتخاب کارگزاران حکومت ندارند.
- ۳/۵. نادرستی نظریه آیت الله مصباح: فقیه عادل متصدی اداره کشور به شکل متمرکز است و همه اختیارات قوای سه‌گانه حق اوست و مشروعیت قانون اساسی به امضای رهبری‌ست.
- ۳/۶. نادرستی نظریه آیت الله مؤمن: همه اختیارات حکومت یکجا در اختیار رهبری، «حق» و «تکلیف» اوست و «هیچ کس» در این قلمرو، هیچ اختیاری ندارد و همگان صرفاً باید اطاعت کنند.
- ۳/۷. نصیحت و خیرخواهی برای حاکم اسلامی، یک واجب شرعی به دوش همه افراد جامعه است و آن‌ها موظف اند که اشتباهات حاکم اسلامی را به او گوشزد کنند.
- ۳/۸. استناد به نظریه آیت الله جوادی: رهبر موظف است ولایت خود را صرفاً در محدوده قانون اساسی اعمال کند.
۴. دچار شدن حوزه علمیه به سطحی‌نگری
- ۴/۱. حوزه علمیه امروز به شرایط کلیسای قرون وسطا دچار شده است و همان اشتباهاتی را مرتکب می‌شود که کلیسا در قرون وسطی مرتکب شده است
- ۴/۲. جامعه دینی مخصوصاً جامعه حوزوی اجازه نمی‌دهد درباره موضوعاتی همچون ولایت فقیه بحث شود و یا اندیشه‌های مخالف در حوزه بیان شوند و مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

- ۴/۳. فقه سیاسی ما پس از انقلاب نه تنها رشد نکرده، بلکه عقب‌گرد هم کرده است.
- ۴/۴. فقه در بسیاری از محدوده‌ها وارد شده که زمینه فقه نیست که باعث شده حجیم و دچار خطای بسیار شود.
- ۴/۵. تأکید بر تقلید تبعیدی در عصر کنونی راه به جایی نمی‌برد و بهتر است که بر فلسفه عقلانی تقلید و شیوه خردمحور آن تأکید کرد.
- ۴/۶. فقیه در قبال فتوایی که می‌دهد مسئولیت دارد و اگر فتوای او منجر به خسارتی به مقلدان شود، باید در قبال چنین ضرری پاسخگو و ضامن باشد.
۵. ضرورت استقلال مرجعیت از ولایت فقیه
- ۵/۱. مرجعیت فقیه برای مقلدان نیازی به تنفیذ ولی فقیه ندارد؛ چه اینکه چنین جایگاهی حتی تحت ولایت معصوم نیز قرار نمی‌گیرد و تابع یک حکم عقلایی است.
- ۵/۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی از بعد قانون‌گذاری و دادگاه ویژه روحانیت از حیث نظارت، دو بازوی قدرت رهبری در حوزه علمیه محسوب می‌شوند و استقلال حوزه علمیه را از آن می‌گیرند.
- ۵/۳. از آنجا که قانون‌گذاری‌های کلان حوزه علمیه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌شود، از این طریق زیرمجموعه بیت رهبری محسوب می‌شود.
- ۵/۴. دادگاه ویژه روحانیت با حکم ولایی رهبر شکل گرفته و اداره می‌شود.
- ۵/۵. امام خمینی، نظارت بر حوزه را به خود حوزه سپرده بودند، در حالی که الان حوزه علمیه از راه‌های بیرونی کنترل می‌شود و عناصر امنیتی بر حوزه تسلط دارند.

## سیدضیاء مرتضوی

### ویژگی‌ها

۱. متولد یزد و ورود به حوزه علمیه در ۱۶ سالگی
۲. سابقه طولانی تدریس در حوزه علمیه قم
۳. تغییر رویکردها و آراء فقهی در شیوه حکومت و ولایت فقیه
۴. سال‌ها سردبیری و همکاری نزدیک با بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات
۵. انتشار بالغ بر ۶۳ مقاله و ۹ کتاب

### دغدغه‌ها

۱. حکومت دینی و جمهوری اسلامی
۲. حق مردم در برابر حاکمیت اسلامی

### باورها

۱. اعتقاد به گستردگی نظریه ولایت فقیه در بخش اول حیات علمی
- ۱/۱. شیخ مفید از بنیان و بلکه بانی اصلی نظریه ولایت فقیه در میان چهره‌های متقدم شیعه است.
- ۱/۲. ولایت فقیه در نظر امام خمینی حتی از ولایت فقیه در نظر شیخ مفید هم وسیع‌تر است. زیرا اقدام برای تحصیل توانایی و ایجاد زمینه اعمال ولایت و حکومت را از عمده‌ترین وظایف فقها برشمرده است.
۲. اولویت حفظ نظام عام اجتماعی بر حفظ نظام خاص سیاسی
- ۲/۱. انقلاب‌ها عموماً نظام عام اجتماعی را با مخاطراتی مواجه می‌سازند و نظام معیشت را دست‌کم در مدتی کوتاه به هم می‌ریزند.

- ۲/۲. آنچه حفظ آن از اوجب واجبات است، نظام عام اجتماعی است، نه نظام سیاسی خاص به طور مستقل.
- ۲/۳. نه تنها دلیلی بر استقلال حفظ وجوب مطلق نظام سیاسی در برابر حفظ نظام عام اجتماعی نداریم، بلکه با فلسفه وجودی آن هم در تضاد است.
۳. انحصار ارزش حکومت در اقامه حق و دفع باطل
- ۳/۱. امام علی (ع) برای جامعه‌ای که حق ضعیفان از قدرتمندان بی هیچ دغدغه‌ای گرفته نشود، قداست قائل نبود.
- ۳/۲. منطق کلی امیرالمومنین در استدلال بر ضرورت مهربانی و محبت به مردم و دوری از درنده‌خویی با آنها.
- ۳/۳. حکومت «صالح» اگر به وظایف خود تن ندهد، صلاحیتش را از دست می‌دهد و ناصالح می‌شود و در نتیجه مشروعیت خود را از دست می‌دهد و در این صورت، وجهی برای اطاعت شرعی باقی نمی‌ماند.
- ۳/۴. اگر مکلف علم به خطای حاکم صالح داشته باشد، اطاعت از حاکم لازم نیست، حتی جایز هم نیست.
۴. به پای اسلام نوشته شدن ناکارآمدی نظام اسلامی
- ۴/۱. مردم بیش از آنکه در میان نوشته‌ها و گفته‌ها جویای دلیل بر کارآمدی نظام سیاسی حتی با صبغه دینی آن باشند، در عرصه عمل خواهان برپایی دیوارهای مدینه فاضله هستند.
- ۴/۲. آنچه بیش از همه، مردم را در پذیرش کارآیی حکومت دینی قانع می‌کند، تجربه عملی آن است، نه مباحث نظری.
- ۴/۳. بهترین شیوه برای مواجهه با کسانی که اسلام را متهم می‌کنند به ناتوانی در اداره جامعه، نشان دادن کارآیی نظام و ساختار سیاسی در عمل است.
۵. مهم‌تر بودن عدالت از ساده‌زیستی
- ۵/۱. مهم‌تر از ساده‌زیستی که رفتاری ظاهری است، خدمت‌گزاران در حکومت باید به دنبال اجرای عدالت، عمل به وعده‌ها و صداقت باشند.
- ۵/۲. ظاهرپسندی و ظاهرگرایی در جامعه اسلامی، بقایای دوره عباسیان و حاصل افکار صوفیه و تاثیر رویکرد آنان در میان مردم است.
۶. ضرورت استقلال حوزه علمیه
- ۶/۱. حوزه، وامدار اربابان ریاست و قدرت نیست، بلکه در خدمت دین است.
- ۶/۲. استفاده حوزه از امکانات دولتی را سازگار با استقلال حوزه نمی‌داند.
- ۶/۳. حوزه‌های علمیه می‌توانند در کنار همراهی همه‌جانبه با انقلاب و نظام مقدس اسلامی، استقلال همه‌جانبه خود را هم حفظ کنند.

## سید کمال حیدری

### ویژگی‌ها

۱. متولد کربلا و عمدتاً متأثر از نظریات شهید صدر
۲. مورد توجه رسانه‌های وهابی به دلیل سخنان وی در نقد فقهای شیعه
۳. فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم بعث عراق در جوانی
۴. مهاجرت به قم در ۲۴ سالگی
۵. داشتن شاگردانی فعال و دست به قلم و اهل تألیف

### دغدغه‌ها

۱. کاهش خشونت‌های مذهبی در منطقه



۲. عدم انحصار دین در فقه و توجه به ذوابعاد بودن اسلام  
۳. اصلاح فهم دینی

## باورها

### ۱. حجم زیاد اسرائیلیات در روایات شیعه

۱/۱. من ادعا می‌کنم که بسیاری از میراث روایی شیعه از کعب‌الاحبارها و یهودیان و نصرانی‌ها و مجوس‌ها به ما رسیده است.

۱/۲. سست دانستن میراث روایی شیعه و تأکید معنادار بر قرآن.

### ۲. ضرورت تحقق اصلاحات دینی در شیعه

۲/۱. همچون غرب، ما نیز برای پیشرفت جامعه، باید از «اصلاحات دینی» به سبک مارتین لوتر آغاز کنیم.

۲/۲. همه پیشرفت‌هایی که در غرب رخ داده است زیر بنای آن اصلاحات دینی بوده است.

۲/۳. هیچ راهی نداریم که در جوامع خودمان اگر می‌خواهیم اصلاحی، پیشرفتی، تقدیمی، نموی رخ دهد، اول باید از اصلاحات دینی شروع کنیم.

۲/۴. فهم خودمان را از دین، قرائت خودمان را از دین باید اصلاح کنیم نه اینکه دین را اصلاح کنیم.

۲/۵. یکسان‌پنداری برداشت خود از دین با اصل دین و آنچه که در لوح محفوظ ثبت است، یکی از بزرگ‌ترین معضلات فکری عالمان دین می‌باشد که در حوزه معرفت دینی وجود دارد.

۲/۶. فهم عالمان از دین، لزوماً عین دین نیست. نقد و ابطال دیدگاه علما، به معنای نقد و ابطال خود دین نمی‌باشد.

### ۳. سایه انداختن تفکر اخباری‌گری بر حوزه علمیه شیعی

۳/۱. بنده بر این باورم که منشأ این روش اخباری‌گری که اساس آن نیز اکنون در حال حکومت بر کل منظومه فکر شیعی است، مرحوم مجلسی و بحار بوده و اکنون نیز هست.

۳/۲. سلفی‌گری نوظهور شیعی در بسیاری از سطوح علمی و رسمی حوزه‌های علمیه شیعه دیده می‌شود.

۳/۳. به کرات گفته‌ام و باز هم تکرار خواهم کرد که تفکر حاکم بر اندیشه شیعی در حال حاضر - به استثنای فقه اصغر - تفکر اخباری است.

۳/۴. در تفسیر، عقائد، تاریخ، تعامل با دیگران و کلیه بخش‌های معرفت دینی، مکتب اخباری به شکل‌های گوناگون همچنان حاکم است.

### ۴. جواز تعبد به همه مذاهب اسلامی

۴/۱. پیروان همه ادیان و مذاهب، اعم از الهی و بشری بنا به شروطی مجاز بلکه واجب است بر همان اعتقادات خود باقی بمانند و در آخرت نیز رستگار شوند.

۴/۲. ما به نفس‌الامر و عالم واقع دسترسی نداریم، پس نمی‌شود گفت که فقط یک مذهب و نحله حقیقت مطلق است.

۴/۳. تطابق یا عدم تطابق اعتقادات با واقع (مقام ثبوت و نفس‌الامر) خارج از توان عقلی (مقام اثبات) انسان‌هاست و خداوند هم کسی را بیش از ظرفیت فکری و عقلی‌اش تکلیف نمی‌کند.

۴/۴. در روز قیامت معلوم خواهد شد که حق با چه کسی است، پس در این دنیا هر کس برای رسیدن به حقیقت تلاش کرد و به دلیلی رسید، در روز قیامت معذور و مأجور است.

۴/۵. این‌طور نیست که یا سیاه باشد یا سفید. مقداری از حقیقت را ما در شریعت اسلام داریم، مقداری را شریعت مسیحیت دارد و مقداری هم شریعت یهود.

## ویژگی‌ها

۱. فرزند آیة‌الله سیدنورالدین حسینی الهاشمی، مؤسس حزب برادران
۲. تلیس به لباس روحانیت در ۱۲ سالگی و ورود به حوزه علمیه قم در ۱۷ سالگی
۳. شاگرد امام خمینی (ره) در نجف
۴. عضویت در شورای اقتصاد و ستاد انقلاب فرهنگی و خبرگان قانون اساسی
۵. فوت در ۵۷ سالگی

## دغدغه‌ها

۱. تمدن‌سازی اسلامی
۲. تغییر تعریف علم
۳. انقلاب فرهنگی
۴. تکامل علم اصول فقه

## باورها

۱. نیاز به منطق جدیدی برای اسلامی کردن علوم
  - ۱/۱. وضعیت ذهنی مسئولان و وضعیت خارجی جهان و دانش بشری، فضایی به وجود آورده بود که مسئولین تصور نمی‌کردند می‌توان منطق جدیدی برای اسلامی کردن علوم تاسیس کرد.
  - ۱/۲. علوم و ابزارهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری، گرچه کارآمدی‌هایی دارند، اما هیچکدام در مسیر اهداف اسلام نیستند.
۲. ضرورت تولید نرم‌افزار اداره جامعه اسلامی
  - ۲/۱. مشکل انقلاب اسلامی، نرم‌افزاری است و اگر ما نتوانیم ادبیات جدید اداره را نه مبتنی بر تمدن موجود بشری، بلکه بر اساس تمدن اسلامی تولید کنیم، قافیه را باختیم.
  - ۲/۲. از همان ابتدای انقلاب اسلامی متوجه تولید «نرم‌افزار اداره» جامعه اسلامی می‌شود و در ابتدا به حوزه اقتصاد توجه می‌کند.
  - ۲/۳. نرم‌افزار دشمن ولو در خدمت بهترین انسان‌ها قرار گیرد، به نفع اسلام تمام نمی‌شود.
  - ۲/۴. جابجایی مهرها و دست به دست شدن قدرت و منصوب شدن وفاداران به دین و اسلام و انقلاب اسلامی، به‌تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند.
  - ۲/۵. من می‌گویم هیچ چیزی نباید بالای دست ائمه طاهرین باشد؛ علم عقلی و حسی همه فرودست معارف اهل بیت هستند و اصولاً عقل و حس در خدمت وحی هستند و من دنبال تولید ادبیات اداره بر این مبنا هستم.
۳. مقدم بودن «فلسفه روش‌ها» بر نرم‌افزار اداره جامعه اسلامی
  - ۳/۱. برای تولید «ادبیات اداره» باید نگاهی جامع داشت، متدولوژی‌ها و روش‌های جدید تولید کرد و پیش از آن، «فلسفه روش‌ها» را فراهم کرد.
۴. نیاز جامعه اسلامی به تولید شبکه‌ای از علوم کاربردی
  - ۴/۱. برای دستیابی به جامعه اسلامی، نیاز به تولید شبکه‌ای از علوم است که به نظام علوم کاربردی جدید منتهی شود.
  - ۴/۲. اگر مسلمانان نتوانند رابطه میان دین و کارآمدی در اداره جامعه را مبتنی بر هدایت علوم کاربردی به اتمام

برسانند، ادعای آنها مبنی بر قدرت دین در هدایت جامعه، زیر سؤال خواهد رفت.

#### ۵. جهت‌داری علوم بشری

۵/۱. معرفت را در عین آنکه معطوف به واقع می‌داند، معطوف به اراده انسان هم می‌داند و از همین رو به اندراج حق یا باطل در علم باور دارد.

۵/۲. به جای باور به تطابق با واقع و در نتیجه صدق و کذب گزاره‌ها، به حاکم بودن اراده بر نسبت‌ها و در نتیجه تقدم اراده بر معرفت باور دارد.

۵/۳. با بذل توجه به تاثیر اراده در معرفت، علم و فناوری را جهت‌دار می‌داند و معتقد است علم و فناوری در ذات خود حامل فرهنگ و ارزش‌های ویژه‌ای است.

۵/۴. فهم و معرفت تنها اکتشاف واقع نیست، بلکه اراده معطوف به کشف واقع، و نوعی رابطه میان اختیار انسان و جهان است.

#### ۶. ناتوانی علم اصول فقه موجود از نظام‌سازی

۶/۱. علیرغم تلاش خالصانه عالمان و فقیهان، علم اصول موجود در حوزه‌های علمیه، از عهده نظام‌سازی برنمی‌آید.

۶/۲. ریشه این ناتوانی در عامل نظری و منطق حاکم بر اصول فقه موجود است که مبتنی بر منطقی انتزاعی بوده و نسبت بین امور را قطع می‌کند.

۶/۳. علم اصول فقه، علمی متقن و متکی به تعبد است که از گذر خرد و عقل عبور کرده، اما اگر چنان تکامل نیابد که بتواند فقه کلان را هم با اتقان استنباط کند، معارف در معرض تحریف قرار می‌گیرد و در آن صورت، از آن رو که برنامه‌ریزی کلان تابع دین نیست، به معنای عقب‌نشینی دین از فضای جامعه است.

## محمد مجتهد شبستری

### ویژگی‌ها

۱. ورود به حوزه علمیه قم در ۱۵ سالگی و هجده سال تحصیل در حوزه
۲. تدریس در دانشگاه تهران با رتبه استادتمامی
۳. عضو شورای علمی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
۴. انتشار بیش از صد یادداشت، مصاحبه و مقاله

### دغدغه‌ها

۱. نگاه انتقادی و استدلالی به مباحث دینی
۲. حقوق سیاسی و اجتماعی افراد
۳. ماهیت قرآن
۴. هرمنوتیک

### باورها

۱. برتری روش دین‌شناسی تاریخی بر دیدگاه‌های سستی دین

۱/۱. دین مجموعه‌ای دانسته می‌شود که شامل پدیده‌های تاریخی بسیاری مانند متون دینی مقدس، نوشته‌های کلامی و عرفانی، شعائر، آداب و هنرها است و آن را به صورت تاریخی تحلیل می‌کند.

۱/۲. دین عبارت است از مجموعه‌ای از تجربه‌های دینی و باورهایی که تفسیر تجربه‌های دینی است و رفتارهایی که ریشه در این تجربه‌ها و باورها دارد.

۲. سمبلیک بودن دین به دلیل عدم واقع‌نمایی داده‌های تاریخی

۲/۱. داده‌های تاریخی هیچ‌گاه خود واقعیت را نشان نمی‌دهند؛ بلکه تنها به گونه سمبلیک از آن حکایت می‌کنند.

۲/۲. قرآن تنها صورت مکتوب ایمانی است که در پیامبر اسلام و مخاطبانش وجود داشته است، نه خود آن.

۲/۳. ما با داده‌هایی تاریخی و زبانی روبرو هستیم که باید حقیقت ایمان را از میان آنها دریابیم.

۲/۴. کلیه پدیده‌های دینی شکل گرفته پیرامون آنچه که مثلاً «اسلام» نامیده می‌شود را یک مجموعه سمبلیک معنادار

تلقی کنیم و آن‌گاه از این مجموعه معنایی که به صورت تاریخی شکل گرفته و سیستمی را تشکیل داده است،

گره‌گشایی و رمزگشایی کنیم.

۲/۵. چون روش نظریه‌پردازی، روشی ظن‌آور است، آنچه به دست می‌آید، امری یقینی نیست؛ مانند دیگر تبیین‌های

تاریخی، ظنی است و بیش از این نباید از آن انتظار داشت.

۳. تفاوت ایمان با اعتقاد و باور

۳/۱. جوهره اصلی ایمان، عبارت است از مجذوب‌شدن یا منعطف‌شدن یا تعلق خاطر پیدا کردن به یک مرکز

خطاب‌کننده، به گونه‌ای که این تعلق، واپسین دل‌بستگی یا هم‌آدمی را تشکیل دهد.

۳/۲. ایمان نه باور، نه یقین و نه دانش است؛ باور به وجود خدا، هر چند باور صادقی باشد، ایمان نیست؛ یقین به

وجود خداوند هم ایمان نیست.

۳/۳. ایمان نوعی عمل کردن است که در آن، موجود محدود در برابر موجود نامحدود قرار می‌گیرد، به او اعتماد

می‌کند، به او عشق می‌ورزد، مجذوب او می‌شود، احساس امنیت پیدا می‌کند، به او امید می‌بندد.

۳/۴. او به متکلمان انتقاد می‌کند که سعی کرده‌اند این «اهتمام مجذوبانه به خطاب خداوند» را با تحلیل‌های عقلانی

توضیح دهند.

۴. نادرستی قرائت فوق انسانی از دین

۴/۱. قرائت انسانی از دین عبارت است از فهم انسان از دین و دینداری خودش، آن‌گونه که انسانیت او ایجاب

می‌کند.

۴/۲. دین به کمک دستاوردهای فلسفی و ارزش‌های اخلاقی و حقوقی انسان فهم می‌شود.

۴/۳. قرائت انسانی از دین به همه ساحت‌های وجودی انسان توجه دارد، معرفت‌های بشری را معتبر می‌داند و

هیچ‌گاه برای فلسفه و حقوق و ارزش‌های انسان مزاحمت ایجاد نمی‌کند.

۴/۴. با روش استدلال عقلی محض، نمی‌توان دین را به عنوان مجموعه معارف نازل‌شده از سوی خدا و پیامبر را

به عنوان واسطه ابلاغ آن ثابت کرد.

۵. ضرورت تغییر احکام اسلام در عصر حاضر متناسب با نیازهای بشر

۵/۱. اولاً وحی تنها با معیارهای فهم کلام انسان، قابل فهم است و ثانیاً این کلام مانند دیگر پدیده‌های انسانی،

تاریخی و زمانی مکانی است.

۵/۲. هدف پیامبر این نبوده است تا در همه ساحت‌های زندگی انسان، احکامی قطعی و دائمی وضع کند.

۵/۳. احکامی که یک پیامبر درباره مسائل اقتصادی و سیاسی بیان می‌کند، فراتاریخی نباشند؛ این قانون‌ها با اهدافی

معین و برای جامعه‌ای معین وضع شده است. هدف نهایی از آنها عدالت بوده است و امروزه برای رسیدن به

این هدف، به قانون‌های دیگری نیاز داریم.

۵/۴. احکام دینی همه ناظر به ساختارهای اجتماعی خاصی است و احکامی فرازمانی نیست که نتوان در آن تغییر

ایجاد کرد.

۵/۵. اجتهاد در دین به این معنا نیست که ما همان احکامی را که در کتاب و سنت است، استخراج کنیم؛ بلکه به

این معنا است که با وضع قانون بر پایه واقعیت‌ها، به سوی پیام پیامبر که عدالت بوده است، حرکت کنیم.

۵/۶. قانون‌هایی که در کتاب و سنت در زمینه خانواده، جامعه، قضاوت و... وجود دارد، هرگز به منظور ارائه

قانون‌های همیشگی و برای همه انسان‌ها بیان نشده است.

۶. انتساب الفاظ و معانی قرآن به پیامبر

۶/۱. متکلم قرآن پیامبر است و معانی و الفاظ آن از خود او هستند.

۶/۲. آیات قرآن مستند به پیامبر است از این جهت که او علت طبیعی معنا و الفاظ آن است و مستند به خدا است به این لحاظ که خداوند از طریق وحی به او چنین توانایی‌ای را بخشیده است.

۶/۳. اگر الفاظ و محتوای قرآن را از سوی خدا بدانیم، جایگاه پیامبر را تا اندازه یک «بلندگو» یا «قاری قرآن» پایین آورده‌ایم که هیچ نقشی در الفاظ و معانی قرآن ندارند.

۶/۴. پیامبر نمی‌خواسته است اطلاعاتی درباره واقعیات جهان در اختیار قرار دهد؛ بلکه قرائت خود از جهان را بیان کرده و در پی ایجاد معنایی دینی در مخاطب بوده است.

۷. عدم ارتباط دین با حکومت

۷/۱. وظیفه دین تنها معنادرکردن زندگی است و دین تنها نیازهای روحی و روانی انسان را پاسخگو است.

۷/۲. هیچ دلیلی در دست نیست که نشان دهد خداوند به پیامبران خود حق حکومت به عنوان یک حق الهی داده است.

۷/۳. خداوند در زمینه حکومت هیچ تکلیفی از انسان نخواست است و هیچ شکل حکومتی خاصی را توصیه نکرده است.

## مصطفی ملکیان

### ویژگی‌ها

۱. ورود به حوزه علمیه قم در ۲۳ سالگی
۲. تدریس در مؤسسات علمی حوزوی و دانشگاهی
۳. شاگردی نزد استاد مطهری، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح
۴. انتشار حداقل ۱۳ کتاب

### دغدغه‌ها

۱. مدرنیسم اسلامی
۲. تجددگرایی دینی
۳. ربط عقانیت با معنویت

### باورها

۱. ضرورت همراهی عقلانیت و معنویت

۱/۱. انسان‌ها کمابیش هم دیندارند و هم برای عقل ارزش قائل‌اند.

۱/۲. تنها طرحی می‌تواند انسان را سعادت‌مند کند و از درد و رنجش بکاهد که هم جانب عقل را نگه دارد و هم به ساحت دینی انسان توجه کند.

۱/۳. پروژه عقلانیت و معنویت، هم پاس عقل را نگه می‌دارد و هم پاس دین را؛ به‌گونه‌ای که این دو هیچ‌گاه در تعارض با هم قرار نمی‌گیرند.

۱/۴. علت العلل رنج‌های بشر این است که عقلانیت و معنویت را هیچ‌گاه با هم جمع نکرده است.

۲. وجود دو برداشت از دینداری

۲/۱. دینداری نهادینه و سنتی عبارت است از «التزام همه جانبه» و «تعبد» به متون مقدس دینی.

- ۲/۲. دینداری بالغانه که در آن با سخنان بزرگان دین، سنجش‌گرانه برخورد می‌شود و تنها در صورت درستی، پذیرفته می‌شود.
۳. ناسازگاری عقلانیت و دینداری سنتی
- ۳/۱. دینداری سنتی هم به‌خودی‌خود با عقلانیت نظری و عقلانیت عملی ناسازگار است و هم با صرف‌نظر از این ناسازگاری و از نگاه مصلحت‌اندیشانه، کاریست آن از سوی انسان متجدد غیرعقلانی است.
- ۳/۲. تاکنون هیچ دلیل خدشه‌ناپذیری بر وجود خدا ارائه نشده است.
- ۳/۳. معجزه که دلیل عمده بر صدق ادعای نبوت دانسته می‌شود، نمی‌تواند دلیل درستی بر این مدعا باشد.
- ۳/۴. تعبد به گزاره‌های دینی، تعبد از روی دلیل نیست.
- ۳/۵. انسان متجدد ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیری دارد که با دینداری سنتی جمع‌شدنی نیست. بنابراین دینداری سنتی نه تنها به مصلحت انسان امروز نیست، بلکه اساساً برای او امکان‌پذیر نیست.
۴. کاهش درد و رنج آدمیان؛ هدف اصلی از معنویت
- ۴/۱. معنویت یعنی مجموعه‌ای از باورها که هر انسانی برای آنکه معنوی باشد، باید بپذیرد.
- ۴/۲. معنویت فصل مشترک ادیان است.
- ۴/۳. معنویت در این معنا، نگرشی خاص در زندگی است که حاصل آن کاهش درد و رنج انسان است.
- ۴/۴. معنویت گونه‌ای از مواجهه با هستی است که تا حد امکان اجازه پدیدآمدن حالت‌های اضطراب، اندوه، ناامیدی، پوچی و بی‌معنایی را در انسان نمی‌دهد و در صورت پدیدآمدن، آنها را از بین می‌برد.
- ۴/۵. دین تنها با این هدف شکل گرفته است که درد و رنج بشر را بکاهد و روان انسان را بهبود بخشد و این با آرامش و شادی و امید به دست می‌آید.
۵. عدم نیاز بشر به دین در عصر حاضر
- ۵/۱. برای معنوی‌بودن به چیزی جز عقلانیت نیاز نیست.
- ۵/۲. فلسفه معنویت (به عنوان یک روش)، نیاز انسان به آرامش است.
- ۵/۳. گزاره‌هایی که تجربه نشان داده است افراد با عمل به آنها درد و رنج کمتری احساس کرده‌اند، انتخاب می‌شوند.
- ۵/۴. گزاره‌ها به صورت شخصی آزمایش می‌شوند و تنها در صورتی که خود فرد با عمل به آنها درد و رنج کمتری احساس کند، مبنای عمل قرار می‌گیرند.
۶. اولویت فرهنگ نسبت به سیاست
- ۶/۱. یگانه مشکل هر جامعه‌ای و علت‌العلل دیگر مشکلات آن فرهنگ است.
- ۶/۲. از این رو فعالیت سیاسی نداشته و از مسائل سیاسی چندان سخن نگفته است.
- ۶/۳. به گفته خودش پیش از انقلاب و در دوران دانشجویی با آنکه مخالف حکومت پهلوی بوده است، اقدامی در جهت مخالفت با آن انجام نداده.

